ISSN: 2008-8000

A Comparative Study of Higher Education in Iran and Türkiye; Impact on Socio-Political Development[1]

Article Type: Research

Reza Mahdi

Corresponding Author:
Associate Professor, Futures Study Department, Institute for Cultural, Social and Civilizational Studies, Tehran, Iran.
Mahdi002@gmail.com

Abstract

Objective: In the article, the impact of higher education on socio-political development in Iran and Türkiye is studied. The aim of the research is to identify the factors through which higher education can influence socio-political development and citizen participation.

Methodology: In the research, using a qualitative comparative method, the role of higher education in shaping political and democratic processes in two countries has been analyzed. The data has been collected using semi-structured interviews with experts in higher education nd political development with purposive and snowball sampling. Data analysis has been carried out using qualitative content analysis and primary and secondary open coding.

Findings: The research shows that Türkiye's universities have acted as more independent and influential institutions in democratic and social processes and have been able to play a more important role in expanding political awareness and strengthening democratic institutions. Despite significant scientific and educational advances, Iran's universities under the influence of relative political restrictions, have not been able to have a complete and comprehensive impact on political development and public participation and play their expected role in promoting democracy.

Discussion and Conclusion: To strengthen the role of higher education in the processes of democracy and political development in Iran, it is necessary to further increase the independence of universities and expand educational programs in the field of humanity and social and political sciences. Also, more open spaces for criticism and discussion should be created and strengthened in scientific environments.

Keywords: Effects of higher education, socio-political development, democracy, impact of universities, university independence.

[1] The article is based on the dissertation "Comparative Evaluation of the Impact of Higher Education on the Political Development in Iran and Turkey", Institute for Social and Cultural Studies, and was studied, extracted, and organized by the researcher as a by-product after the defense of the thesis and the receipt of the degree by the student, Masoud Shafie Chafi.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

مطالعه تطبیقی آموزش عالی ایران و ترکیه؛ تأثیرگذاری بر توسعه سیاسی- اجتماعی[۱]

نوع مقاله: پژوهشی

رضا مهدی *

نویسنده مسئول: دانشیار گروه مطالعات آینده‌نگر، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی، تهران، ایران. Mahdi002@gmail.com

چکیده

هدف: در این مقاله، تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی- اجتماعی ایران و ترکیه مطالعه شده است. هدف پژوهش، شناسایی عوامل تأثیرگذاری آموزش عالی بر توسعه سیاسی- اجتماعی و مشارکت شهروندان می‌باشد.

روش‌شناسی: در این پژوهش با استفاده از روش مقایسه‌ای کیفی، نقش آموزش عالی در شکل‌دهی به فرایندهای سیاسی و مردم‌سالاری در دو کشور تحلیل شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با صاحب‌نظران آموزش عالی و توسعه سیاسی با نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی و کُدگذاری‌های باز اولیه و ثانویه انجام شده است.

یافته‌ها: این پژوهش نشان می‌دهد که دانشگاه‌های ترکیه به‌عنوان نهادهایی مستقل‌تر و تأثیرگذارتر در فرایندهای مردم‌سالاری و اجتماعی عمل کرده و توانسته‌اند نقش مهم‌تری در گسترش آگاهی‌های سیاسی و تقویت نهادهای مردم‌سالاری ایفا کنند. دانشگاه‌های ایران به‌رغم پیشرفت‌های علمی- آموزشی قابل‌توجه، تحت تأثیر محدودیت‌های نسبی سیاسی نتوانسته‌اند تأثیرگذاری کامل و جامع بر توسعه سیاسی و مشارکت عمومی داشته و نقش مورد انتظار خود را در ارتقای مردم‌سالاری ایفا کنند.

بحث و نتیجه‌گیری: برای تقویت نقش آموزش عالی در فرایندهای مردم‌سالاری و توسعه سیاسی- اجتماعی لازم است که استقلال دانشگاه‌ها بیش‌ازپیش افزایش و برنامه‌های آموزشی در زمینه علوم انسانی و اجتماعی- سیاسی گسترش یابد. همچنین، فضاهای آزادتری برای نقد و گفتگو در محیط‌های علمی ایجاد و تقویت شود.

واژه‌های کلیدی: آثار آموزش عالی، توسعه سیاسی- اجتماعی، مردم‌سالاری، تأثیر دانشگاه‌ها، استقلال دانشگاه‌ها.

مقدمه

[۱] این مقاله برمبنای رساله دکتری «ارزیابی تطبیقی تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی ایران و ترکیه» مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی پس از دفاع دانشجو، مسعو شفیعی چافی، از رساله و اخذ مدرک دکتری، به‌عنوان یک محصول جانبی توسط استاد راهنما تکمیل و تنظیم شده است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

آموزش عالی یکی از ارکان بنیادین توسعه در جوامع مدرن به شمار می‌آید و نقشی چندلایه در پیشبرد تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه سیاسی ایفا می‌کند. دانشگاه‌ها علاوه بر ایفای نقش در تولید علم، فناوری و تربیت نیروی انسانی متخصص، به‌عنوان نهادهایی اجتماعی-فرهنگی، می‌توانند در جهت‌دهی به فرآیندهای مردم‌سالارانه، شکل‌دهی به افکار عمومی و ارتقای مشارکت سیاسی شهروندان بسیار مؤثر واقع شوند. بر این اساس، آموزش عالی نه‌فقط ابزاری برای توسعه علمی، بلکه بستری برای گفتمان‌سازی سیاسی و نهادینه‌سازی ارزش‌های دموکراتیک در جوامع تلقی می‌گردد (شفیعی و مهدی، ۱۴۰۱؛ یمنی‌دورزی سرخابی، ۱۳۹۱).

با وجود مطالعات فراوان در زمینه پیوند آموزش عالی و توسعه سیاسی، بسیاری از این پژوهش‌ها یا نظری و کلان بوده‌اند یا به یک کشور محدود شده‌اند. در این میان، مطالعات تطبیقی میان کشورهایی با زمینه‌های فرهنگی مشترک اما ساختارهای سیاسی متفاوت، می‌تواند زوایای جدیدی از نقش آموزش عالی در توسعه سیاسی را روشن سازد. ایران و ترکیه، به‌عنوان دو کشور مهم در منطقه با اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی و تفاوت‌های چشمگیر در نظام حکمرانی و آموزش عالی، نمونه‌ای مناسب برای چنین تحلیلی هستند (نورشاهی، ۲۰۱۲؛ مهدی، ۱۳۹۵). هرچند هر دو کشور در دهه‌های گذشته شاهد گسترش کمی آموزش عالی بوده‌اند، اما تفاوت‌هایی در تأثیرگذاری این نهادها بر مشارکت سیاسی، فرهنگ دموکراتیک و نهادسازی مشاهده می‌شود. این پژوهش با رویکرد کیفی تطبیقی، به بررسی نقش دانشگاه‌ها در توسعه سیاسی ایران و ترکیه می‌پردازد؛ از جمله نحوه اثرگذاری آن‌ها بر آگاهی سیاسی، تربیت شهروند مسئول و تقویت نهادهای مدنی. همچنین چالش‌هایی مانند استقلال دانشگاهی، محدودیت‌های مشارکت استادان و دانشجویان و فضای محدود نقد علمی مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

هدف اصلی پژوهش، ارائه تحلیلی تطبیقی است که بتواند چارچوب‌هایی برای بازنگری در سیاست‌گذاری آموزش عالی فراهم آورد. یافته‌ها می‌توانند راهگشای سیاست‌گذاران، دانشگاهیان و نهادهای مدنی باشند؛ به‌ویژه در جهت تقویت علوم انسانی و اجتماعی، ارتقای استقلال دانشگاه‌ها و گسترش مشارکت سیاسی در محیط‌های علمی. بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که نظام‌های آموزش عالی در ایران و ترکیه چگونه بر توسعه سیاسی- اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در این زمینه میان دو کشور وجود دارد؟

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

آموزش عالی به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم نظام آموزشی شامل تمام سطوح آموزشی پس از تحصیلات متوسطه است که هدف آن تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص در رشته‌های مختلف علمی، فنی، اجتماعی- فرهنگی است. این نوع آموزش به‌طور معمول در دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی ارائه می‌شود (کیخا و ذاکر صالحی، ۱۴۰۰). هدف اصلی آموزش عالی علاوه بر انتقال دانش، پرورش مهارت‌های نرم و سخت علمی، فنی و اجتماعی- فرهنگی در دانشجویان است. در کشورهای مختلف، آموزش عالی به‌عنوان ابزاری برای

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شناخته می‌شود (هندریکسون[1] و همکاران، ۲۰۱۳). دانشگاه‌ها نه‌تنها به تولید علم و فناوری می‌پردازند، بلکه در فرایندهای اجتماعی- سیاسی نیز تأثیرگذار هستند و نقشی کلیدی در شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی - اجتماعی جامعه ایفا می‌کنند (شفیعی و مهدی، ۱٤۰۱؛ یمنی‌دورزی سرخابی، ۱۳۹۱). به‌علاوه، توسعه سیاسی- اجتماعی به‌طور کلی به فرایندهای تحول و تغییرات در ساختارهای سیاسی- اجتماعی جامعه اشاره دارد که هدف آن، تقویت نهادهای مردم‌سالار، افزایش انواع مشارکت‌های سیاسی- اجتماعی، ارتقای حقوق بشر، استقلال نهادهای مدنی و تقویت حکمروایی کارآمد است (میلر[2] و همکاران، ۲۰۱۳). توسعه سیاسی- اجتماعی با توسعه اقتصادی- اجتماعی در ارتباط بوده و می‌تواند موجب تثبیت نهادهای مردم‌سالاری و حکمروایی و نهایتاً تولید قدرت شود (مُرادی، ۱۳۹٤). در تعریف دیگر، توسعه سیاسی- اجتماعی به فرایند گسترش و تقویت ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه برای دستیابی به رفاه عمومی و حل مسائل متنوع اجتماعی اشاره دارد. از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان، توسعه سیاسی- اجتماعی مشتمل بر انواع تغییرات ساختاری در نظام سیاسی است که در آن گروه‌های اجتماعی مختلف قادر به مشارکت فعال در فرایندهای سیاسی و اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌شوند (رجب‌لو و حسین‌پناهی، ۱۳۹٦؛ اعتباریان خوراسگانی و قلی‌پور مقدم، ۱۳۹٦). در جدول ۱ برخی از مهم‌ترین نظریه‌ها و نظریه‌پردازان توسعه سیاسی آورده شده است.

در کل، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مهم درباره تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی- اجتماعی در چهار حوزه اصلی مطالعه و واکاوی می‌شوند (شفیعی‌چافی، ۱٤۰۲؛ شفیعی‌چافی، مهدی و اسدی، ۲۰۲٤): نظریه‌های کارکردگرا، نظریه‌های توسعه اجتماعی- سیاسی، نظریه‌های نهادگرایانه و نظریه‌های مردم‌سالاری‌خواهانه. نظریه‌پردازان کارکردگرا نظیر کارل دویچ[3] و دانیل لرنر[4] معتقدند که نهادهای اجتماعی- سیاسی در یک جامعه به‌طور متقابل به‌هم وابسته‌اند و هر کدام وظایف خاصی دارند که به حفظ ثبات و انسجام جامعه کمک می‌کند. در این راستا، آموزش عالی به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی مهم، نقش بسزایی در ایجاد و حفظ نظم اجتماعی دارد. این نهاد با تربیت نخبگان علمی و فرهنگی، زمینه را برای تقویت نهادهای سیاسی - اجتماعی و مردم‌سالار فراهم می‌کند. بر پایه نظریه‌های کارکردگرا، دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهایی برای خلق و انتقال دانش، در فرایندهای سیاسی- اجتماعی به‌ویژه در توسعه مردم‌سالاری و انواع مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذارند.

جدول ۱- برخی از نظریه‌ها و نظریه‌پردازان توسعه سیاسی (و اجتماعی- فرهنگی)

نظریه‌پرداز	عوامل	شاخص
کارل دویچ	گسترش وسایل ارتباط‌جمعی، توسعه حمل‌ونقل و شهرنشینی، یکپارچگی قبایل، یکپارچگی حوزه‌های اداری، سواد، یکپارچگی زبان، درآمد سرانه بالا،	همگرایی ملی، تحرک اجتماعی

[1] Hendrickson
[2] Miller
[2] Karl Deutsch
[3] Daniel Lerner

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

	گسترش صنعت	
دانیل لرنر	گسترش وسایل ارتباط‌جمعی، شهرنشینی، گسترش آموزش عمومی	مشارکت سیاسی، وجود همدلی در جامعه
لیپست	گسترش طبقه متوسط، توسعه اقتصادی و اجتماعی	فرهنگ سیاسی مشارکت‌جو
ادوارد شیلز	دولت یک عامل مهم، آشتی سنت و مدرنیته	تفوق قوانین مدنی، عملکرد نهادهای مدنی، اعمال بدون محدودیت آزادی‌های سیاسی
آلموند و وربا	عوامل فرهنگی، روانی و تاریخی	فرهنگ سیاسی مشارکتی
آلموند و جیمز کلمن	شهرگرایی، بسط سواد، درآمد سرانه، میزان بالای صنعتی شدن اقتصاد، شبکه‌های وسیع رسانه‌های جمعی مشارکت سیاسی و غیرسیاسی بالا	استقلال و تخصص‌گرایی بالا نظام سیاسی
لوسین پای	حکومت و فرهنگ سیاسی	تقویت برابری، بهبود کارایی‌های نظام، تمایز گذاری ساختاری، مشارکت سیاسی، عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، توزیع و همگرایی، فرهنگ سیاسی اعتمادی
هانتینگتون	وجود طبقه بورژوازی، رشد اقتصادی و صنعتی شدن، زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی	ساخت اجتماعی متکثر، وجود فرهنگ متسامح پیچیدگی، نهادمندی سیاسی و استقلال، انعطاف‌پذیری، یگانگی و عمل‌گرایی نظام سیاسی، وجود نهادمندی، انتخاب آزاد و رقابت‌آمیز و مشارکت سیاسی، آزادی سیاسی و مدنی

(رجب‌لو و حسین‌پناهی، ۱۳۹۶)

از نظر نظریه‌پردازان توسعه اجتماعی- سیاسی، نهادهای آموزش عالی می‌توانند به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در فرایند توسعه سیاسی – اجتماعی عمل کنند. بر پایه این دیدگاه، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی نه‌تنها به تولید علم و فناوری می‌پردازند، بلکه می‌توانند با پرورش آگاهی‌های سیاسی- فرهنگی در بین جوانان، زمینه‌ساز ایجاد مردم‌سالاری و تقویت حقوق شهروندی شوند. در جوامع درحال توسعه، نهاد دانشگاه با ارائه آموزش‌های سیاسی و اجتماعی- فرهنگی به شهروندان، می‌تواند مشارکت سیاسی- اجتماعی را تقویت و نهادینه کند. برخی از نظریه‌پردازان توسعه سیاسی نظیر سموئل هانتینگتون[1] و دانیل لرنر معتقدند که آموزش عالی به‌عنوان ابزاری برای تقویت نهادهای مردم‌سالاری و گسترش آگاهی‌های سیاسی در میان مردم عمل می‌کند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که نهاد دانشگاه می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در توسعه مردم‌سالاری و انواع و اقسام مشارکت‌های سیاسی- اجتماعی ذی‌سهم و ذی‌نقش باشند.

نظریه‌های نهادگرایانه به نقش نهادهای سیاسی و اجتماعی بر شکل‌دهی فرایندهای اجتماعی- سیاسی تأکید دارند. بر پایه این دیدگاه، نهادهای آموزش عالی به‌ویژه دانشگاه‌ها می‌توانند با شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی- فرهنگی، در توسعه نهادهای مردم‌سالاری و حاکمیتی تأثیرگذار باشند. این دیدگاه بر اهمیت استقلال، خودمختاری و خودگردانی دانشگاه‌ها تأکید دارد. بر اساس آن، نهاد دانشگاه باید از فشارهای

[1] Samuel Huntington

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

سیاسی- اقتصادی آزاد باشد تا بتواند به‌طور اثربخش در فرایندهای سیاسی- اجتماعی مشارکت کند. نهادگرایان همچنین بر این باورند که آموزش عالی می‌تواند با تقویت سرمایه اجتماعی و تقویت هویت سیاسی، زمینه‌ساز توسعه سیاسی- اجتماعی در جامعه باشد. به‌علاوه، نهاد دانشگاه با ایجاد فضای باز برای گفتگو و نقد، می‌تواند به توسعه فرهنگ سیاسی و مردم‌سالاری در جامعه کمک کند.

نظریه‌های مردم‌سالاری‌خواهانه به‌طور خاص به ارتباط آموزش عالی و مردم‌سالاری می‌پردازند. بر پایه این دیدگاه، نهاد دانشگاه به‌مثابه مرکز آموزش و آگاهی، می‌تواند نقش مهمی در گسترش مشارکت سیاسی و تقویت نهادهای مردم‌سالار ایفا کند. بر اساس این نظریه‌ها آموزش عالی به‌عنوان ابزاری برای آگاه‌سازی شهروندان و توسعه مشارکت سیاسی عمل می‌کند(یا باید عمل کند). در بسیاری از کشورها، آموزش عالی به‌عنوان یک ابزار مهم برای گسترش نهادهای مردم‌سالار و تقویت فرایندهای مردم‌سالاری تعریف و هدف‌گذاری می‌شود. دانشگاه‌ها با تربیت نخبگان سیاسی- اجتماعی، می‌توانند زمینه‌ساز تحولات مردم‌سالار در کشورها شوند. این نهادها همچنین با ارائه آموزش‌های نظری و عملی در زمینه حقوق بشر، حکومت‌داری و مشارکت سیاسی، می‌توانند به تقویت نهادهای مردم‌سالار و حکومتی کمک کنند. با توجه به نظریه‌ها و دیدگاه‌های موجود، آموزش عالی یکی از نهادهای کلیدی و حیاتی در فرایند توسعه سیاسی- اجتماعی است. دانشگاه‌ها با خلق علم، تربیت نخبگان و ایجاد فضاهای باز برای انواع مشارکت‌های سیاسی- اجتماعی، می‌توانند به‌طور مؤثر در توسعه مردم‌سالاری و نهادهای مردم‌سالار ایفای نقش کنند. از این‌رو، مطالعه تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی- اجتماعی در کشورها می‌تواند به درک و فهم بهتر از چگونگی تأثیرگذاری این نهاد بر فرایندهای سیاسی- اجتماعی کمک کند. در جمع‌بندی کوتاه از نظریه‌های مرتبط با نقش آموزش عالی در توسعه سیاسی- اجتماعی می‌توان گفت که این نهاد نه‌تنها در خلق دانش شامل علم و فناوری نقش دارد، بلکه به‌عنوان یک بستر کلیدی برای پرورش آگاهی‌های سیاسی، تقویت مشارکت‌های مدنی و توسعه مردم‌سالاری عمل می‌کند. نظریه‌پردازانی مانند هانتینگتون و لرنر آموزش عالی را ابزاری برای ارتقای آگاهی‌های سیاسی و تحکیم نهادهای مردم‌سالار می‌دانند، درحالی‌که دیدگاه‌های نهادگرایانه بر اهمیت ساختاری دانشگاه‌ها در شکل‌دهی به نهادهای مردم‌سالار و استقلال آن‌ها از مداخلات و ملاحظات سیاسی- اقتصادی تأکید دارند. از سوی دیگر، نظریه‌های مردم‌سالاری‌خواهانه به‌طور خاص به نقش فعال نهاد دانشگاه در آگاه‌سازی شهروندان و تربیت نخبگان سیاسی می‌پردازند. برآیند همه این دیدگاه‌ها این است که آموزش عالی، از طریق ایجاد فضاهای گفتگو، ترویج فرهنگ نقد و آموزش‌های حقوقی- سیاسی، به یکی از ارکان بنیادین توسعه سیاسی- اجتماعی بدل می‌شود؛ بنابراین، تقویت و حمایت از استقلال نهاد دانشگاه، حراست از آزادی‌های علمی و گسترش دامنه آموزش‌های سیاسی- اجتماعی می‌تواند مسیر و راهکاری اثربخش برای تحکیم مردم‌سالاری و توسعه و پیشرفت پایدار فراهم کند. نقش آموزش عالی در توسعه سیاسی- اجتماعی، یکی از مباحث اساسی در مطالعات علوم اجتماعی- سیاسی است. آموزش عالی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، قادر است با ایجاد محیط مناسب برای پرورش نخبگان فکری، افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی-

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

اجتماعی و شکل‌دهی به رفتارهای شهروندی مؤثر، نقشی حیاتی در فرایندهای مردم‌سالاری و توسعه سیاسی- اجتماعی ایفا کند. به‌ویژه در جوامع درحال توسعه، آموزش عالی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت نهادهای مردم‌سالار، ارتقای سطح مشارکت سیاسی و ایجاد فضاهایی برای نقد و گفتگو در حوزه‌های مختلف عمل کند. در این راستا، نظریه‌پردازان مختلفی به تحلیل رابطه میان آموزش عالی و توسعه سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند. برخی از صاحب‌نظران نظیر ساموئل هانتینگتون و دانیل لرنر تأکید می‌کنند که دانشگاه‌ها با پرورش نخبگان فکری و فراهم آوردن آموزش‌های سیاسی، به گسترش آگاهی‌های سیاسی در جامعه کمک کرده و در نهایت، موجب توسعه مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی می‌شوند. همچنین، برخی از پژوهشگران نظیر پیتر بارنل[1] و لوسین پای[2] معتقدند که آموزش عالی می‌تواند به‌عنوان عاملی برای افزایش مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و کاهش شکاف‌های اجتماعی و سیاسی عمل کند. به‌علاوه، در پژوهش‌های تطبیقی، پژوهشگران متعددی چگونگی تأثیر نظام‌های ملی آموزش بر توسعه سیاسی- اجتماعی را مطالعه کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین منابع، کتاب مُعین (۱۳۹۷) است که به‌عنوان یک تجربه زیسته- مدیریتی بلندمدت، تأثیر آموزش عالی بر توسعه را به‌خوبی تبیین کرده است. این پژوهش و تجربه نشان می‌دهد که توسعه علم و آموزش عالی و توسعه همه‌جانبه و پایدار شامل توسعه سیاسی- اجتماعی ارتباط دوسویه داشته و به‌صورت هم‌زمان اتفاق می‌افتد. کانجو[3] و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به روش تطبیقی بردی[4] (۱۹۶۹) توسعه آموزش عالی ایران، افغانستان و ترکیه را مطالعه کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش عالی افغانستان در افزایش دسترسی متقاضیان، دستاورد چشم‌گیری داشته است، اما از منظر کیفی و شاخص‌هایی نظیر تعداد اعضای هیئت‌علمی دارای مدرک دکتری، تسهیلات زیربنایی، تجهیزات آموزشی، تعداد مقالات و کتاب‌ها طی سه دهه اخیر در بدترین حالت بوده است. ایران در حوزه کارکردهای سه‌گانه نظام آموزش عالی شامل خلق، انتقال و انتشار دانش حرکت یکنواختی نداشته و در مواردی با پیشرفت و سرعت نسبتاً بالا و در موارد دیگر با کندی حرکت روبرو بوده است، از تحقق همزمان خط‌مشی تولید علم و به‌کارگیری آن در جامعه دورافتاده و تنها بر انتقال علم در قالب گسترش آموزش یا افزایش بیش از حد پذیرش و تربیت دانشجو تأکید کرده است. ترکیه نیز با گسترش کمّی ساختارهای آموزشی و افزایش سهم آموزش‌های فنی - حرفه‌ای، به بهبود نرخ ثبت‌نام در آموزش عالی، افزایش نیروی کار ماهر، افزایش سهم هزینه‌های تحقیق‌وتوسعه[5] و بهبود شاخص کلی آمادگی فناوری دست یافته و توانسته است در این حوزه‌ها از ایران و افغانستان پیشی گیرد.

هرچند آموزش عالی می‌تواند نقش مهمی در توسعه سیاسی - اجتماعی ایفا کند، چالش‌هایی در این مسیر وجود دارد که مانع از تأثیرگذاری مطلوب آن می‌شود. یکی از این چالش‌ها، محدودیت‌های ساختاری و سیاست‌های دولتی و حاکمیتی در رابطه با استقلال

[1] Peter Burnell
[2] Lucian Pye
[3] Kanjo
[4] Brady
[5] R&D

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی است. در برخی کشورها، دانشگاه‌ها زیر فشارهای سیاسی- اقتصادی قرار دارند که می‌تواند مانع از بروز تفکر انتقادی و پرورش نخبگان سیاسی- اجتماعی شود. پژوهش مُرادی، محمدی و گُلدسته (۲۰۱۹) تأکید می‌کند دانشگاه‌ها در کشورهایی با حکمروایی ضعیف یا با مردم‌سالاری ناکامل، نمی‌توانند به‌طور مؤثر در توسعه سیاسی- اجتماعی تأثیرگذار باشند. درحالی که در پژوهش‌های زیادی تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی و اجتماعی واکاوی شده است، اما اغلب این پژوهش‌ها تنها برخی از ابعاد خاص این تأثیرات را مطالعه کرده و به‌طور جامع نظام‌های آموزش عالی در کشورهای هم‌سطح را مقایسه نکرده‌اند (شفیعی‌چافی، مهدی و اسدی، ۲۰۲۳). به‌عبارتی، با وجود گسترش مطالعات تطبیقی در زمینه نقش آموزش عالی در توسعه سیاسی و اجتماعی، بسیاری از پژوهش‌ها از جامع‌نگری کافی برخوردار نبوده و عمدتاً به تحلیل ابعاد خاصی از این ارتباط و تأثیر و تأثر پرداخته‌اند. مطالعاتی نظیر پژوهش کانجو و همکاران (۲۰۲۲) و تحلیل مُعین (۱۳۹۷) اگرچه اطلاعات ارزشمندی در اختیار قرار می‌دهند، اما نتوانسته‌اند تصویری یکپارچه از رابطه پیچیده، چندلایه و متأثر از بسترهای سیاسی، فرهنگی و ساختاری آموزش عالی با توسعه سیاسی و اجتماعی ارائه دهند. از سوی دیگر، فقدان بررسی‌های تطبیقی دقیق میان کشورهایی با سطح توسعه و بافت فرهنگی مشابه، به خلأ تحلیلی در درک و فهم سازوکارهای تأثیرگذاری آموزش عالی بر توسعه سیاسی منجر شده است. همچنین، تمرکز برخی پژوهش‌ها بر شاخص‌های کمّی بدون توجه به کیفیت آموزش و استقلال نهاد دانشگاه، موجب تقلیل نقش آموزش عالی به صرفاً ابزاری برای تربیت نیروی کار شده و تأثیر آن بر پرورش آگاهی‌های سیاسی و تقویت نهادهای مردم‌سالار را نادیده گرفته است. این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی- تطبیقی، تلاش می‌کند تا شکاف موجود در ادبیات نظری و تجربی را تا حدودی پُر کرده و تصویری روشن‌تر از چگونگی اثرگذاری آموزش عالی بر توسعه سیاسی- اجتماعی در دو کشور ایران و ترکیه ارائه دهد. نوآوری این مطالعه، تمرکز بر مقایسه کیفی زمینه‌های نهادی، فرهنگی و سیاسی آموزش عالی در دو کشور هم‌سطح از نظر توسعه تاریخی و منطقه‌ای در جغرافیای مشابه است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تطبیقی کیفی است و برای مطالعه تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی- اجتماعی در دو کشور ایران و ترکیه، ترکیبی از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، تحلیل محتوای کیفی، کُدگذاری‌های باز اولیه و ثانویه و تطبیق وضعیت دو کشور به شرح شکل ۱ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش به‌شرح جدول ۲ شامل اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران آموزش عالی و توسعه

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

سیاسی است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و گلوله برفی[1] و با توجه به ویژگی‌های خاص هر دو کشور انجام شده و فرایند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری، ادامه پیدا کرده است. همچنین، برای آشنایی عمیق‌تر و بررسی تجربه‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران سیاسی و دانشگاهی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به‌صورت حضوری، برخط یا ترکیبی در مدت شش ماه با جامعه آماری پژوهش انجام شده است.

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و کُدگذاری‌های باز اولیه و ثانویه تحلیل شده است. در این روش، داده‌ها به‌صورت کیفی طبقه‌بندی شده و از طریق کُدگذاری‌های باز اولیه و ثانویه، مفاهیم و مقوله‌های اصلی استخراج شده است (هومن، ۱۳۹۵). سپس، مفاهیم به‌طور مقایسه‌ای در دو کشور ایران و ترکیه بررسی و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در تأثیر دانشگاه‌ها و نظام‌های آموزش عالی بر توسعه سیاسی شناسایی شده است. برای بررسی روایی داده‌ها، از بازبینی همکاران و مراجعه به صاحب‌نظران برای تأیید نتایج استفاده شده است.



شکل ۱- فرایند کلان و مراحل انجام پژوهش

جدول ۲- مشارکت‌کنندگان در فرایند مصاحبه پژوهش

شماره	مشارکت‌کننده	تخصص و حوزه اطلاع	کشور
۱	استاد دانشگاه	آموزش عالی و توسعه سیاسی	ایران

[1] Snowball Sampling

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

۲	استاد دانشگاه	آموزش عالی و توسعه سیاسی	ایران
۳	استاد دانشگاه	آموزش عالی و توسعه سیاسی	ایران
٤	استاد دانشگاه	آموزش عالی و توسعه سیاسی	ایران
٥	استاد دانشگاه	آموزش عالی و توسعه سیاسی	ایران
٦	صاحب‌نظر و مدیران ارشد	حوزه سیاست	ایران
۷	صاحب‌نظر و مدیران ارشد	حوزه سیاست	ایران
۸	صاحب‌نظر و مدیران ارشد	حوزه سیاست	ایران
۹	صاحب‌نظر و مدیران ارشد	حوزه سیاست	ایران
۱۰	صاحب‌نظر و مدیران ارشد	حوزه سیاست	ایران
۱۱	مشاور و رایزن علمی ایران در ترکیه	آموزش عالی	ترکیه
۱۲	مشاور و رایزن علمی ایران در ترکیه	آموزش عالی	ترکیه
۱۳	مشاور و رایزن علمی ایران در ترکیه	آموزش عالی	ترکیه
۱٤	مشاور و رایزن علمی ایران در ترکیه	آموزش عالی	ترکیه
۱٥	مشاور و رایزن علمی ایران در ترکیه	آموزش عالی	ترکیه
۱٦	مشاور و رایزن علمی ایران در ترکیه	آموزش عالی	ترکیه
۱۷	مشاور و رایزن علمی ایران در ترکیه	آموزش عالی	ترکیه
۱۸	مشاور و رایزن علمی ایران در ترکیه	آموزش عالی	ترکیه

یافته‌های پژوهش

تحلیل اولیه و شناسایی و استخراج مفاهیم

بر اساس فرایند و مراحل انجام پژوهش (به‌شرح شکل ۱) در مرحله و گام نخست، پس از اتمام فرایند مصاحبه با صاحب‌نظران (به‌شرح جدول ۲)، متون حاصل از این مصاحبه‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به‌صورت جمله به جمله بررسی و مفاهیم اصلی موجود در آن‌ها بر اساس مشابهت، ارتباط و ویژگی‌های مشترک، استخراج و به‌شرح جدول ۳ تدوین و تنظیم شده است[۱].

جدول ۳- مفاهیم اصلی شناسایی‌شده در فرایند مصاحبه با صاحب‌نظران

مصاحبه‌ها	مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها
۱	تدوین سیاست‌های آموزش عالی و پیاده‌سازی آن در دانشگاه‌ها، بینش راهبردی و توسعه پایدار، وجود پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی در حوزه آموزش عالی، جذب اعضای علمی خارجی در دانشگاه‌ها، جذب دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌ها، وجود توافقنامه‌های بین‌المللی با دانشگاه‌های معتبر جهان
۲	ارتقای سطح دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های نیروی کار فعلی، تقویت خودکارآمدی سیاسی افراد از طریق افزایش سواد سیاسی، ارائه آموزش‌های حرفه‌ای و شغلی به دانشجویان برای افزایش ضریب اشتغال در آینده، تولید دانش در راستای توسعه اقتصادی-اجتماعی، برگزاری سمینارهای علمی و تخصصی با موضوع توسعه سیاسی، فراهم‌سازی زمینه ارائه نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف، برگزاری دوره‌ها، سمینارها و کارگاه‌های مشترک با دانشگاه‌های متبر جهان، پرورش نیروی کار آینده.

[۱] در پژوهش کیفی لازم است که نقل‌قول‌های مستقیم آورده شود تا خواننده متوجه شود که نتیجه‌گیری پژوهشگر درست است. با وجود این، با توجه به محدودیت حجم متن مقاله، انجام این کار چندان امکان‌پذیر نبود. خوانندگان گرامی می‌توانند به گزارش نهایی رساله شفیعی، ۱٤۰۱ مراجعه کنند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

مصاحبه‌ها	مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها
۳	فعال کردن جامعه مدنی (از طریق گردش اطلاعات و جریان دانش)، اعمال حق امتیاز و مالکیت فکری در زمینه اختراعات و ایده‌های پژوهشی، همکاری در زمینه پژوهش و توسعه، اتحادهای راهبردی و انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی، شفاف‌سازی و گزارش دلایل شکست در برنامه‌های محلی، وجود توافقنامه‌های بین‌المللی با دانشگاه‌های معتبر جهان، تربیت رهبران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راستای توسعه سیاسی، حرکت از تمرکز به سمت عدم تمرکز، تغییر رویکرد سنتی به آموزش‌های تخصصی.
٤	اعتماد ساختار به مدیران و تفویض اختیار در مناصب اجرایی، افزایش سطح رضایت افراد استفاده‌کننده از خدمات، توسعه زیرساخت‌های فنی آموزش عالی، برقراری ارتباط با مؤسسات و نهادهای مالی، تقویت نقش بخش خصوصی به‌عنوان عامل تولید در تقویت رشد، همگام شدن دانشگاه‌ها در تربیت نیروی متخصص موردنیاز با اهداف برنامه‌های توسعه، تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی، نیازسنجی از صنعت.
٥	تمایل به همکاری در حوزه فرهنگی با کشورهای همسایه، پذیرش فرهنگ‌های مختلف، ارتقای جایگاه نوآوری در آموزش عالی و اختصاص بودجه به آن، توسعه آموزش در دانشگاه‌ها، غنی‌سازی برنامه‌های فرهنگی در آموزش عالی و ارتقای هوش فرهنگی، تقویت نقش بخش خصوصی به‌عنوان عامل تولید در تقویت رشد، کاربرد نظرات و دیدگاه‌های دانشمندان خارجی در شکل‌دهی و اصلاح وضعیت نظام آموزش عالی، پیش‌بینی و پایه‌ریزی شورای آموزش عالی به‌عنوان نهاد هماهنگ‌کننده.
٦	اختصاص بودجه مکفی به آموزش عالی جهت حمایت از پروژه‌های دانشگاهی، همکاری‌های بین دانشگاهی در راستای تحقق اهداف توسعه سیاسی، ایجاد رفاه جامعه از طریق افزایش تولیدات علمی، امکان مطرح‌شدن اندیشه‌ها و عملکردهای افراد، نظام نوآوری منطقه‌ای جزو شاخص‌ها و سیاست‌های علمی، افزایش قابلیت و توانایی دانشگاه‌ها، تأثیرگذاری آن‌ها بر نظام سیاسی و سیاست‌گذاری‌های آن، شایسته‌سالاری.
۷	ساختار حقوقی رقابت نهادینه، اعتماد به نهادهای حل منازعه، تأثیرگذاری آن‌ها بر نظام سیاسی و سیاست‌گذاری‌های آن، اشاعه ارزش‌های جدید علم و فناوری موردنیاز جامعه، انتقال دانش جدید و نوآوری‌های خلق‌شده در دانشگاه به صنعت و جامعه.
۸	ارتقای فرهنگ جامعه از طریق تقویت نگرش علمی در دانشجویان، تقویت دانشگاه به‌عنوان الگوی نقش استفاده بهینه از منابع طبیعی، توسعه میراث فرهنگی، دستیابی افراد متعلق به لایه‌ها و اقشار اجتماعی پایین به‌مراتب بالاتر سیاسی، شایسته‌سالاری در نظام گزینش.
۹	توسعه حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و اهمیت دادن به زندگی، حاکمیت قانون و اعمال قدرت از طریق قانون، قانون توزیع عادلانه قدرت در کشور، ایجاد نظم اجتماعی و اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانین، اهتمام به اجرای قانون و ایجاد روحیه احترام به قانون و التزام به اجرای آن، توسعه حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی، ارتقای دانش فرهنگی منابع انسانی، تحلیل جنبه‌های فرهنگی.
۱۰	تسهیل تعاملات بین‌المللی با دانشگاه‌های معتبر جهان، جذب دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌ها، وجود توافقنامه‌های بین‌المللی با دانشگاه‌های معتبر جهان، برگزاری دوره‌ها، سمینارها و کارگاه‌های مشترک با دانشگاه‌های معتبر جهان.
۱۱	پرورش نیروی کار آینده متناسب با نیازهای توسعه‌ای آینده، تربیت رهبران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راستای توسعه سیاسی، کمک به تحرک اجتماعی از طریق افزایش سطح تحصیلات، نظریه‌پردازی در راستای توسعه سیاسی.
۱۲	تربیت مدیران کارآمد در همه عرصه‌ها، پشتیبانی از اقدامات وحدت‌بخش و کارکردهای نظارتی، تقویت مشارکت مردمی به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست-گذاری، سرمایه‌گذاری مشترک بین آموزش عالی و سازمان‌های سیاسی، برون‌سپاری طرح‌های دانشگاهی و مرتبط کردن آن با صنعت، تشکیل احزاب، جمهوری‌خواهی، اولویت دادن به مردم‌گرایی.
۱۳	سرمایه‌گذاری سهامی در شرکت انشعابی انتقال فناوری و ایجاد دفاتر مجوزدهی و مراکز رشد، ایجاد اعتماد و انگیزه در مردم از طریق ارتباطات بهتر، تضمین انسجام و وحدت سیاسی در سطوح مختلف، تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع درونی، توانمند کردن سازمان‌ها برای برنامه‌ریزی و مدیریت، وجود پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی در حوزه آموزش عالی، جذب عضو هیئت‌علمی خارجی در دانشگاه‌ها، تربیت نیروی انسانی متخصص برای برنامه‌های توسعه.
۱٤	اطلاع از نوآوری‌های صنعتی و تسهیم دانش بین دانشگاه و صنعت، توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اعتمادسازی فرهنگی بین مردم و ترویج همدلی، وجود صراحت در سیاست‌ها و اهداف آموزش عالی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در آموزش عالی، تقویت خودکارآمدی سیاسی، همراه شدن برنامه دانشگاه‌ها با برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی ترکیه، انجام تغییرات در برنامه‌های توسعه آموزش در دانشگاه‌ها.
۱٥	تأکید بر پژوهش و به‌کارگیری یافته‌های علمی در آموزش عالی، گسترش ساختاری آموزش عالی و بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری، معرفی صاحبان اندیشه و متخصص دانشگاهی به حوزه سیاست، تحلیل و نقد مسائل سیاسی در دانشگاه در جهت توسعه سیاسی، فراهم بودن زمینه‌های تعامل و تقابل افکار در جامعه، شکل‌گیری رسمی آموزش از راه دور، شکل‌گیری نخستین مؤسسات غیرمذهبی در آموزش‌های تخصصی، همراه شدن دانشگاه‌ها در تربیت نیروی متخصص با توجه به اهداف برنامه‌های پیشرفت.
۱٦	به رسمیت شناختن گروه‌ها و حتی ایدئولوژی‌های گوناگون، اجازه رقابت سیاسی به احزاب، اجازه دخالت افراد و گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، ایجاد جامعه هوشمند از نظر فناوری، تولید فناوری‌های جدید در راستای حل مشکلات و مسائل اجتماعی- اقتصادی، تبادل اطلاعات بین صنعت و

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

مصاحبه‌ها	مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها
	دانشگاه، انتخاب و انتصاب رئیس دانشگاه با پیشنهاد شورای آموزش عالی، ارزیابی پژوهشی در ترکیه.
۱۷	ایجاد فرهنگ کار و کارآفرینی، چرخش نخبگان بر اساس سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی، اعمال حق امتیاز و مالکیت فکری در زمینه اختراعات و ایده‌های پژوهشی، همکاری در زمینه پژوهش و توسعه، اتحادهای راهبردی و انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی، شفاف‌سازی و گزارش دلایل شکست در برنامه‌های محلی، جواز دخالت افراد و گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، چرخش نخبگان بر اساس سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی، دستیابی افراد متعلق به لایه‌ها و اقشار اجتماعی پایین به‌مراتب بالاتر سیاسی- اجتماعی.
۱۸	نهادسازی یا ایجاد و تقویت نهادهای مدرن مرتبط با دولت، نهادسازی از پایین و مدیریت بحران‌های پیش رو، تمایل به همکاری در حوزه فرهنگی با کشورهای همسایه، پذیرش فرهنگ‌های مختلف، ارتقای جایگاه نوآوری در آموزش عالی و اختصاص بودجه به آن، نهادسازی یا ایجاد و تقویت نهادهای مدرن مرتبط با دولت، شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه.

کُدگذاری باز اولیه

در مرحله تحلیل داده‌ها، متون حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به‌صورت خط به خط بررسی و مفاهیم کلیدی استخراج شده است. این مفاهیم سپس در قالب کدهای باز اولیه طبقه‌بندی شده است. ملاک اصلی در فرایند کُدگذاری، تمرکز بر مؤلفه‌هایی است که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به نقش دانشگاه‌ها و آموزش عالی در توسعه سیاسی و اجتماعی اشاره دارد. در همین راستا، در پالایش نهایی، تنها آن دسته از کُدها در تحلیل باقی مانده است که پیوند روشن و مفهومی با شاخص‌ها و فرآیندهای توسعه سیاسی داشته است. کُدهایی که صرفاً به جنبه‌های عمومی آموزش، فناوری یا مسائل مدیریتی دانشگاه‌ها اشاره دارد و فاقد پیوند مشخص با حوزه سیاسی- اجتماعی است، در تحلیل نهایی کنار گذاشته شده است. بنابراین، جدول زیر شامل گزیده‌ای از کُدهایی است که بیشترین ارتباط را با اهداف تحقیق داشته و به تبیین نقش آموزش عالی در توسعه سیاسی ایران و ترکیه کمک می‌کنند.

جدول ٤ - کُدگذاری اولیه متون مصاحبه‌ها و شناسایی و استخراج کُدهای باز و مفاهیم اصلی

ردیف	کُدهای باز و مفاهیم اصلی
۱	تدوین سیاست‌های آموزش عالی و پیاده‌سازی آن در دانشگاه‌ها
۲	تسهیل تعاملات بین‌المللی با دانشگاه‌های معتبر جهان
۳	جذب دانشجویان بین‌المللی برای تقویت دیپلماسی علمی و تعاملات سیاسی جهانی
٤	استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی برای تقویت تبادل دانش و مشارکت در توسعه سیاسی
٥	توافقنامه‌های بین‌المللی با دانشگاه‌های معتبر برای تقویت همکاری‌های آموزشی و توسعه سیاسی
٦	جذب اعضای هیئت‌علمی خارجی برای ارتقاء سطح علمی و سیاسی دانشگاه‌ها و توسعه سیاسی کشور
۷	برگزاری دوره‌ها، سمینارها و کارگاه‌های مشترک با دانشگاه‌های معتبر جهان

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

۸	ارتقاء دانش و مهارت‌های نیروی کار به‌منظور تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی
۹	پرورش نیروی کار آینده با مهارت‌های سیاسی و اجتماعی برای تقویت فرآیندهای دموکراتیک
۱۰	تقویت خودکارآمدی سیاسی افراد از طریق افزایش سواد سیاسی
۱۱	تربیت رهبران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راستای توسعه سیاسی
۱۲	کمک به تحرک اجتماعی و سیاسی از طریق ارتقاء تحصیلات و توانمندسازی شهروندان
۱۳	خلق دانش در راستای توسعه سیاسی و اجتماعی برای تقویت نهادهای دموکراتیک
۱٤	نظریه‌پردازی در راستای توسعه سیاسی
۱۵	برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی و تخصصی با موضوع توسعه سیاسی
۱٦	تربیت مدیران کارآمد در همه عرصه‌ها
۱۷	فراهم‌سازی زمینه ارائه نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف
۱۸	پشتیبانی از اقدامات وحدت‌بخش و کارکردهای نظارتی
۱۹	تقویت جامعه مدنی به‌منظور ارتقاء مشارکت سیاسی و نظارت بر فرآیندهای حکمرانی
۲۰	تقویت مشارکت مردمی به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری
۲۱	تقویت مالکیت فکری به‌منظور حمایت از نوآوری‌های علمی و توسعه سیاسی پایدار
۲۲	سرمایه‌گذاری مشترک بین آموزش عالی و نهادهای سیاسی برای تقویت حکمرانی و توسعه سیاسی
۲۳	همکاری در زمینه پژوهش‌های علمی برای تقویت فرآیندهای توسعه سیاسی و اجتماعی
۲٤	برون‌سپاری پروژه‌های دانشگاهی برای تقویت هم‌افزایی بین دانشگاه، صنعت و سیاست
۲۵	انعقاد تفاهم‌نامه‌ها با نهادهای خصوصی به‌منظور تقویت توسعه سیاسی و اجتماعی پایدار
۲٦	سرمایه‌گذاری در فناوری و نوآوری به‌منظور تقویت ساختارهای دموکراتیک و توسعه سیاسی
۲۷	شفاف‌سازی و گزارش علل شکست در برنامه‌های محلی به‌منظور تقویت مسئولیت‌پذیری و حکمرانی خوب
۲۸	ایجاد اعتماد در مردم از طریق شفافیت و ارتباطات مؤثر سیاسی
۲۹	اعتماد به مدیران و تفویض اختیار به‌منظور تقویت حکمرانی دموکراتیک
۳۰	تضمین انسجام و وحدت سیاسی در سطوح مختلف

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

۳۱	افزایش رضایت عمومی از خدمات دولتی از طریق ارتقاء شفافیت و پاسخگویی
۳۲	تنظیم فعالیت نهادهای دولتی به‌منظور استفاده بهینه از منابع و تقویت نهادهای دموکراتیک
۳۳	توانمندسازی سازمان‌ها به‌منظور تقویت برنامه‌ریزی و مدیریت حکمرانی خوب و توسعه سیاسی
۳٤	اطلاع از نوآوری‌های صنعتی به‌منظور تقویت ارتباط دانشگاه، صنعت و سیاست در راستای توسعه اجتماعی-سیاسی
۳۵	تقویت نقش بخش خصوصی به‌عنوان عامل تولید و مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اقتصادی
۳٦	توجه به تفاوت‌های فرهنگی به‌منظور تقویت همبستگی اجتماعی و توسعه سیاسی
۳۷	همکاری فرهنگی با کشورهای همسایه به‌منظور تقویت دیپلماسی فرهنگی و توسعه سیاسی منطقه‌ای
۳۸	اعتمادسازی فرهنگی و اجتماعی به‌منظور تقویت همبستگی سیاسی و اجتماعی
۳۹	پذیرش و احترام به فرهنگ‌های مختلف به‌منظور تقویت انسجام سیاسی و اجتماعی در جوامع دموکراتیک
٤۰	وجود صراحت در سیاست‌های آموزش عالی به‌منظور تقویت شفافیت و مشارکت در سیاست‌گذاری‌های دموکراتیک
٤۱	تأکید بر پژوهش و به‌کارگیری یافته‌های آن به‌منظور تقویت حکمرانی خوب و توسعه سیاسی
٤۲	غنی‌سازی برنامه‌های فرهنگی در آموزش عالی برای تقویت آگاهی سیاسی و اجتماعی
٤۳	گسترش آموزش عالی و بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری به‌منظور تقویت فرآیندهای دموکراتیک
٤٤	اختصاص بودجه به آموزش عالی برای تقویت پروژه‌های پژوهشی در راستای توسعه سیاسی و اجتماعی
٤۵	معرفی صاحبان اندیشه دانشگاهی به‌منظور تقویت مشارکت علمی و سیاسی در فرآیندهای حکمرانی
٤٦	همکاری‌های بین دانشگاهی برای تقویت همکاری‌های علمی و سیاسی در راستای توسعه سیاسی
٤۷	تحلیل و نقد مسائل سیاسی در دانشگاه به‌منظور تقویت آگاهی سیاسی و توسعه دموکراتیک
٤۸	ایجاد رفاه اجتماعی از طریق ارتقاء تولیدات علمی و تقویت فرآیندهای توسعه سیاسی
٤۹	فراهم کردن زمینه‌های تعامل و تقابل افکار به‌منظور تقویت گفت‌وگوهای سیاسی و اجتماعی
۵۰	امکان مطرح‌شدن اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی به‌منظور تقویت فرآیندهای دموکراتیک
۵۱	به رسمیت شناختن گروه‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف به‌منظور تقویت تنوع سیاسی و اجتماعی
۵۲	ایجاد ساختار حقوقی برای رقابت سیاسی به‌منظور تقویت فرآیندهای دموکراتیک
۵۳	اجازه رقابت سیاسی به احزاب به‌منظور تقویت مشارکت سیاسی و دموکراسی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

٥٤	اعتماد به نهادهای حل منازعه به‌منظور تقویت حکمرانی دموکراتیک و حل منازعات سیاسی
٥٥	جواز دخالت افراد و گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌منظور تقویت مشارکت عمومی
٥٦	تأثیرگذاری افراد و گروه‌های اجتماعی بر نظام سیاسی و سیاست‌گذاری‌های آن به‌منظور تقویت حکمرانی دموکراتیک
٥٧	ایجاد جامعه‌ای هوشمند به‌منظور تقویت آگاهی سیاسی و اجتماعی از طریق دانش و فناوری
٥٨	اشاعه ارزش‌های جدید علم و فناوری به‌منظور تقویت فرآیندهای دموکراتیک و حکمرانی خوب
٥٩	تولید فناوری‌های جدید به‌منظور حل مشکلات سیاسی و اجتماعی در راستای توسعه پایدار
٦٠	انتقال نوآوری‌های دانشگاهی به صنعت به‌منظور تقویت پیوندهای علمی، اقتصادی و سیاسی
٦١	ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه از طریق تقویت آگاهی علمی و سیاسی در دانشجویان
٦٢	ایجاد فرهنگ کارآفرینی به‌منظور تقویت مشارکت اقتصادی و سیاسی
٦٣	چرخش نخبگان سیاسی بر اساس سازوکارهای قانونی به‌منظور تقویت دموکراسی
٦٤	دستیابی اقشار پایین به‌مراتب بالاتر سیاسی و اجتماعی به‌منظور تقویت مشارکت دموکراتیک
٦٥	شایسته‌سالاری به‌منظور تقویت حکمرانی خوب و توسعه سیاسی
٦٦	نهادسازی و تقویت نهادهای مدرن برای حکمرانی دموکراتیک و توسعه سیاسی
٦٧	توسعه حوزه‌های مختلف اجتماعی به‌منظور تقویت انسجام و توسعه سیاسی
٦٨	نهادسازی از پایین برای تقویت مشارکت سیاسی و مدیریت بحران‌های دموکراتیک
٦٩	حاکمیت قانون به‌منظور تقویت دموکراسی و حقوق بشر
٧٠	توزیع عادلانه قدرت از طریق اصلاحات قانونی به‌منظور تقویت حکمرانی دموکراتیک
٧١	ایجاد نظم اجتماعی و سیاسی به‌منظور تقویت مشارکت و مسئولیت‌پذیری در جامعه
٧٢	اجرای قانون به‌منظور تقویت احترام به قوانین و نهادهای دموکراتیک

کُدگذاری باز ثانویه با داده‌های آموزش عالی ایران

در این مرحله، کُدهای باز و مفاهیم استخراج‌شده از متون مصاحبه‌ها (مطابق جدول ٤)، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی مورد بازبینی مجدد قرار گرفته و در فرایندی مفهومی‌سازی و مقوله‌بندی شده است. همچنین، دیدگاه‌ها و تجارب مشارکت‌کنندگان به تفکیک دو

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

کشور در قالب نقل‌قول‌های معنادار و مرتبط انعکاس یافته است. در نهایت، بر اساس مشابهت‌ها، پیوندهای مفهومی و ویژگی‌های مشترک میان کُدها و مفاهیم، مقوله‌بندی نهایی در زمینه مورد مطالعه ایران در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- مقوله‌ها و مفاهیم مستخرج از مصاحبه با صاحب‌نظران در زمینه خاص ایران

ردیف	مفاهیم مرتبط	مقوله
۱	تدوین سیاست‌های آموزش عالی و پیاده‌سازی آن در دانشگاه‌ها تربیت مدیران کارآمد در همه عرصه‌ها نهادسازی از پایین برای تقویت مشارکت سیاسی شفاف‌سازی و گزارش علل شکست در برنامه‌های محلی اجرای قانون و احترام به آن وجود صراحت در سیاست‌های آموزش عالی	سیاست‌گذاری و حکمرانی در آموزش عالی
۲	خلق دانش در راستای توسعه سیاسی و اجتماعی نظریه‌پردازی در راستای توسعه سیاسی تأکید بر پژوهش کاربردی اشاعه ارزش‌های علم و فناوری گسترش ساختاری آموزش عالی و بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری	توسعه علمی و تولید دانش
۳	تقویت نظام مالکیت فکری و تجاری‌سازی پژوهش‌ها تقویت نقش بخش خصوصی ایجاد مراکز رشد و دفاتر انتقال فناوری ارتقای مهارت نیروی کار تقویت نقش بخش خصوصی	کاربست دانش و تعامل با جامعه
۴	جذب دانشجوی بین‌المللی توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی پذیرش فرهنگ‌های مختلف تقویت تعامل فرهنگی با همسایگان اعتمادسازی فرهنگی جذب هیئت‌علمی خارجی	بین‌المللی سازی و تعاملات فرهنگی
۵	توانمندسازی سازمان‌ها تنظیم فعالیت نهادهای دولتی ارتقای فرهنگ عمومی از طریق نهادینه‌سازی تفکر علمی ایجاد فرهنگ کار و کارآفرینی غنی‌سازی برنامه‌های فرهنگی	زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی
۶	فراهم‌سازی زمینه تعامل افکار اجازه رقابت سیاسی به احزاب تربیت رهبران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شایسته‌سالاری اعتمادسازی اجتماعی قانون‌گرایی فعال‌سازی جامعه مدنی	اعتماد، مشارکت و رقابت سیاسی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

کُدگذاری باز ثانویه با داده‌های آموزش عالی ترکیه

در این مرحله، کُدهای باز و مفاهیم مستخرج از متون مصاحبه‌ها (به‌شرح جدول ٤)، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بار دیگر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی شده و نهایتاً بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز و مفاهیم، به‌شرح جدول ٦ در زمینه و مورد ترکیه مقوله‌بندی شده است.

جدول ٦- مقوله‌ها و مفاهیم مستخرج از مصاحبه با صاحب‌نظران در زمینه خاص ترکیه

ردیف	مفاهیم مرتبط	مقوله
۱	پیش‌بینی و پایه‌ریزی شورای آموزش عالی انتخاب و انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها با پیشنهاد شورای آموزش عالی کاربرد نظرات دانشمندان خارجی در اصلاح نظام آموزش عالی نظام نوآوری منطقه‌ای و سیاست‌های علمی	سیاست‌گذاری و حکمرانی در آموزش عالی
۲	ارزیابی پژوهشی در سطح کشور افزایش قابلیت و توانایی دانشگاه‌ها تربیت نیروی انسانی متخصص برای توسعه پرورش نیروی کار آینده تغییر رویکرد سنتی به آموزش‌های تخصصی	توسعه علمی و تولید دانش
۳	نیازسنجی از صنعت تبادل اطلاعات صنعت و دانشگاه تقویت نقش بخش خصوصی در رشد همراهی دانشگاه‌ها با توسعه اقتصادی–اجتماعی تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی	کاربست دانش و تعامل با جامعه
٤	جذب دانشجویان بین‌المللی وجود توافقنامه‌های بین‌المللی جذب هیئت‌علمی خارجی برگزاری رویدادهای مشترک علمی وجود پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی	بین‌المللی سازی و تعاملات فرهنگی
٥	ارتقای دانش فرهنگی منابع انسانی شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه تحلیل جنبه‌های فرهنگی تمایل به سکولاریسم در میان اسلام‌گرایان	زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی
٦	اجازه دخالت گروه‌های اجتماعی در سیاست‌گذاری تأثیرگذاری اجتماعی بر سیاست‌ها چرخش نخبگان بر اساس قانون اساسی	اعتماد، مشارکت و رقابت سیاسی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

	دستیابی اقشار پایین به‌مراتب بالا شایسته‌سالاری تشکیل احزاب و مردم‌گرایی	

پس از انجام کُدگذاری‌های اولیه و ثانویه، به‌منظور تبیین دقیق‌تر مقولات استخراج‌شده، برای هر مقوله، توضیحی اجمالی آورده شده است. همچنین، به‌منظور تقویت اعتبار تحلیلی و عمق‌بخشی به یافته‌ها، گزیده‌هایی از اظهارات مشارکت‌کنندگان از هر دو کشور که به‌صورت مستقیم با مقوله‌های مرتبط بودند، نقل شده است.

مقوله اول: سیاست‌گذاری و حکمرانی در آموزش عالی: این مقوله به طراحی و اجرای سیاست‌های کلان آموزش عالی، تمرکززدایی، شفاف‌سازی ساختارها و تقویت حکمرانی دانشگاهی در راستای توسعه سیاسی – اجتماعی اشاره شده است. سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه، مستلزم وجود نهادهای ساختاریافته، فرآیندهای مشارکتی و بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی است. این سیاست‌ها باید نظام‌مند و همسو با ارتقای کیفیت علمی، مدیریتی و پاسخ‌گویی به نیازهای ملی طراحی شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان از ترکیه می‌گوید: «*یکی از چالش‌های ما تو ترکیه اینه که یه نهاد هماهنگ‌کننده مؤثر در سطح ملی برای سیاست‌گذاری آموزش عالی نداریم. تو بعضی کشورها دیدم که با کمک مشاورای بین‌المللی، ساختار دانشگاه‌هاشون رو به‌روز کردن و متناسب با نیازهای روز بازطراحی کردن. به نظرم، اگه ما هم از این تجربه‌ها استفاده کنیم، می‌تونه واقعاً برامون مفید باشه.*». همچنین یکی از مشارکت‌کنندگان از ایران بیان نمود: «*دانشگاه‌ها باید اختیار بیشتری تو تصمیم‌گیری‌ها داشته باشن. این تمرکز بیش‌ازحد تو سیستم آموزش عالی باعث می‌شه انگیزه برای نوآوری و تغییر تو خود دانشگاه‌ها خیلی کم بشه. سیاست‌گذاری‌ها هم بهتره از حالت دستوری دربیاد و بر اساس نیاز واقعی جامعه و تغییرات آینده کشور طراحی بشه.*»

مقوله دوم: توسعه علمی و تولید دانش: توسعه علمی و تربیت نیروی انسانی ماهر، از ارکان بنیادی پیشرفت پایدار در هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. در این راستا، بازنگری در شیوه‌های سنتی آموزش و تمرکز بر ارتقای توانمندی‌های دانشگاه‌ها در خلق دانش کاربردی، ضرورتی انکارناپذیر است. این مقوله بر اهمیت نقش دانشگاه‌ها در تولید دانش بومی، نظریه‌پردازی در حوزه توسعه سیاسی، تقویت پژوهش‌های مسئله‌محور و گسترش نوآوری‌های علمی تأکید می‌شود. به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، دانشگاه‌ها باید از نهادهای صرفاً آموزشی فراتر رفته و به مراکزی برای خلق ایده و راه‌حل‌های بومی تبدیل شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان ترکیه‌ای می‌گوید: «*تا وقتی که فقط تعداد مقاله‌ها ملاک ارزیابی پژوهشه، نمی‌شه انتظار داشت که تحقیقات واقعاً به درد توسعه کشور بخورن.*»«*دانشگاه باید آدم‌هایی رو تربیت کنه که هم آماده‌ی ورود به بازار کار باشن، هم بتونن یه نقشی تو پیشرفت کشور داشته باشن.*». یکی از مشارکت‌کنندگان از کشور ایران اذعان می‌دارند:

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

«دانشگاه نباید فقط یه جایی باشه برای گرفتن مدرک. باید جایی باشه که آدم‌ها یاد بگیرن فکر کنن، نقد کنن، تو مسائل سیاسی و اجتماعی کشورشون نقش داشته باشن. دانشگاه‌ها باید فضای رشد فکری و پرورش شهروند مسئول باشن، نه فقط یه مسیر برای شغل‌دار شدن.»

مقوله سوم: کاربست دانش و تعامل با جامعه: کاربست دانش در بستر واقعی جامعه به‌ویژه از طریق ارتباط نظام‌مند با صنعت و بخش خصوصی، یکی از شاخص‌های مهم اثربخشی آموزش عالی محسوب می‌شود. این مقوله به نقش دانشگاه‌ها در انتقال فناوری، تجاری‌سازی ایده‌ها و اختراعات، پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار و ارتقای مهارت نیروی انسانی از طریق آموزش‌های کاربردی و حرفه‌ای می‌پردازد. در این میان، ایجاد مراکز رشد، دفاتر انتقال فناوری و تقویت مشارکت با بخش خصوصی می‌تواند زمینه‌ساز تحول در نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد. یک مشارکت‌کننده از ترکیه معتقد است: *«خیلی از پایان‌نامه‌ها فقط نوشته می‌شن که تو قفسه کتابخونه بمونن، بدون اینکه هیچ ربطی به نیاز واقعی صنعت یا جامعه داشته باشن. اینطوری نه به دانشجو چیزی اضافه می‌شه، نه مشکلی از کشور حل می‌شه.»*. مصاحبه‌شوندگان کشور ایران نیز معتقدند: *«اگه دانشگاه ارتباط واقعی و مؤثری با صنعت برقرار کنه، دیگه نمی‌بینیم فارغ‌التحصیل‌ها بیکار بمونن. اینطوری هم جوان‌ها می‌تونن وارد بازار کار بشن، هم اقتصاد کشور مسیر رشد خودش رو پیدا می‌کنه، چون ارتباط‌های علمی و صنعتی هم‌راستا می‌شن.»*

مقوله چهارم: بین‌المللی‌سازی و تعاملات فرهنگی: بین‌المللی‌سازی آموزش عالی تنها محدود به تبادل علمی نیست، بلکه فرصتی است برای تعاملات فرهنگی، توسعه افق‌های فکری و ارتقای جایگاه جهانی دانشگاه‌ها. در این مقوله بر تلاش دانشگاه‌ها برای جذب دانشجویان بین‌المللی، برقراری توافق‌نامه‌های علمی با دانشگاه‌های معتبر جهان، دعوت از اعضای هیئت‌علمی خارجی و ایجاد بستر گفت‌وگوی بین فرهنگی تأکید می‌شود. گسترش تعاملات علمی فرامرزی، می‌تواند منجر به چندبُعدی شدن فضای علمی، ارتقای کیفیت آموزش و شکل‌گیری شبکه‌های علمی گسترده‌تر شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان ترکیه‌ای بر این باور است: *«حضور دانشجویان خارجی تو دانشگاه‌ها باعث می‌شه فضا متنوع‌تر و پویاتر بشه. این تنوع نه تنها به تجربه‌های آموزشی کمک می‌کنه، بلکه دانشجوها رو با فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف آشنا می‌کنه که در نهایت فضای دانشگاه رو خیلی بیشتر از قبل به هم پیوسته و چندبُعدی می‌کنه»*. یکی از مشارکت‌کنندگان ایرانی بیان می‌کند: *«اگه واقعاً می‌خواهیم جهانی فکر کنیم، باید تو جامعه علمی جهانی هم حضور فعال و مؤثری داشته باشیم؛ یعنی نباید فقط به محیط‌های داخلی اکتفا کنیم، بلکه باید ارتباطات علمی‌مون رو گسترش بدیم و با دانشگاه‌ها و محققان دیگر کشورها همکاری‌های مؤثری داشته باشیم.»*

مقوله پنجم: زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی: توسعه آموزش عالی صرفاً به منابع مالی یا ظرفیت‌های فنی محدود نمی‌شود؛ بلکه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی، نظیر فرهنگ سازمانی، نگرش‌های توسعه محور و پذیرش تنوع فکری و هویتی، نقش اساسی در پایداری و اثربخشی آن دارند. تأکید این مقوله بر لزوم تقویت سرمایه اجتماعی، گسترش فرهنگ علمی، ترویج روحیه نوآوری و نهادینه‌سازی فرهنگ

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

پژوهش و کارآفرینی در نظام آموزش عالی است. توسعه علمی بدون توجه به این مؤلفه‌ها، به پیشرفت سطحی و ناپایدار منجر می‌شود. نظر یکی از مشارکت‌کنندگان ترکیه‌ای این است: «*برخی تضادهای فرهنگی یا گرایش‌های ایدئولوژیک باعث می‌شن که رشد آموزش عالی در مسیر متعادلی پیش نره. این تفاوت‌های دیدگاهی می‌تونن مانع از پیشرفت واقعی و توسعه‌پذیر دانشگاه‌ها بشن، چون در نهایت مسیر رو از نظر علمی و تحقیقاتی محدود می‌کنن.*»؛ و یکی از مشارکت‌کنندگان ایرانی معتقد است: «*تا وقتی که زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی مناسب فراهم نشه، نوآوری بیشتر از اینکه عملی بشه، می‌مونه توی حد شعار. نوآوری فقط با ایده‌های جدید به‌تنهایی پیش نمی‌ره، باید یک سیستم حمایتی از نظر فرهنگی و اجتماعی وجود داشته باشه که این ایده‌ها بتونن در جامعه رشد و پیاده‌سازی بشن.*»

مقوله ششم: اعتماد، مشارکت و رقابت سیاسی: نظام آموزش عالی می‌تواند بستر مناسبی برای شکل‌گیری مشارکت سیاسی، ترویج فرهنگ دموکراسی و تربیت نخبگان سیاسی فراهم آورد. این مقوله بر نقش دانشگاه‌ها در ارتقای آگاهی سیاسی، ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت، شایسته‌سالاری، تقویت جامعه مدنی و توسعه احزاب سیاسی تأکید می‌کند. آموزش عالی، زمانی نقش تحول‌آفرین ایفا می‌کند که محصول آن نخبگانی باشند که با پشتوانه علمی و مشروعیت اجتماعی، وارد عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی شوند. یکی از مصاحبه‌شوندگان از کشور ترکیه معتقد است: «*وقتی نخبگان و افراد با شایستگی بتونن بدون هیچ واسطه‌ای وارد ساختار قدرت بشن، این یعنی آموزش عالی واقعاً تاثیر خودش رو نشون داده. اینجاست که می‌تونیم بگیم دانشگاه‌ها نه فقط در آموزش علمی، بلکه در پرورش افراد مؤثر برای جامعه هم نقش مهمی دارن.*». نقل‌قول یکی از مشارکت‌کنندگان ایرانی بدین‌صورت است: «*اگه مشارکت سیاسی از دانشگاه شروع نشه، انتظار نمی‌ره که در سطح‌های دیگه جامعه هم نهادینه بشه. دانشگاه‌ها باید محلی باشن که دانشجوها با آگاهی و انگیزه وارد فضای سیاسی بشن و از همون ابتدا یاد بگیرن چطور می‌تونن در تصمیم‌گیری‌های جامعه نقش داشته باشن.*»

در ادامه، بر مبنای تحلیل داده‌ها و تطبیق وضعیت دو کشور، یافته‌های اصلی این پژوهش در سه محور اصلی دسته‌بندی شده است: ۱. نقش آموزش عالی در توسعه سیاسی- اجتماعی در ایران و ترکیه، ۲. مقایسه آموزش عالی و توسعه سیاسی- اجتماعی در ایران و ترکیه و ۳. چالش‌های تأثیرگذاری آموزش عالی بر توسعه سیاسی- اجتماعی.

۱. نقش آموزش عالی ایران و ترکیه در توسعه سیاسی- اجتماعی: آموزش عالی ایران به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی توسعه اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شود. با این‌حال، نقش آموزش عالی در توسعه سیاسی- اجتماعی به‌طور عمده تحت تأثیر شرایط سیاسی- اجتماعی کشور قرار دارد. از یک‌سو، دانشگاه‌های ایران به‌عنوان مراکز اصلی علمی و فرهنگی، وظیفه دارند که به تولید علم و تربیت نخبگان سیاسی- اجتماعی بپردازند. از سوی دیگر، دخالت نسبی دولت و حاکمیت در امور دانشگاه‌ها و محدودیت‌های نسبی موجود در زمینه آزادی‌های سیاسی- اجتماعی، می‌تواند مانع از شکل‌گیری فضایی آزادتر و مستقل‌تر در دانشگاه‌ها برای گفتگو، نقد و مباحث سیاسی شود. در حال

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.2008800.1403.16.3.4.3]

حاضر، دانشگاه‌های ایران نقشی نسبتاً محدود در فرایندهای مردم‌سالاری و توسعه سیاسی- اجتماعی دارند. بسیاری از دانشجویان و استادان به‌دلیل محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی، احساس آزادی کمتری می‌کنند. با این‌حال، دانشگاه‌ها همچنان به‌عنوان یکی از منابع اصلی تولید آگاهی‌های سیاسی- اجتماعی در جامعه عمل می‌کنند. بسیاری از نخبگان سیاسی- اجتماعی ایران، محصول دانشگاه‌های ایرانی بوده و نهاد دانشگاه توانسته است در پرورش آگاهی‌های سیاسی- اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه مؤثر و روشنگر واقع شود.

ترکیه در زمینه آموزش عالی به‌ویژه در سال‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی داشته است. دانشگاه‌های ترکیه در زمینه‌های علمی پیشرفت‌های چشمگیری داشته و تأثیر زیادی بر فرایندهای اجتماعی و اقتصادی دارند. از منظر توسعه سیاسی، دانشگاه‌های ترکیه به‌طور عمده به‌عنوان مراکز علمی و فرهنگی عمل کرده‌اند و توانسته‌اند نقش مؤثری در گسترش آگاهی‌های سیاسی، حقوق بشر و مردم‌سالاری ایفا کنند. از ویژگی‌های برجسته آموزش عالی ترکیه، استقلال نسبی دانشگاه‌ها و عدم دخالت نسبی مستقیم دولت در امور آموزشی است. این استقلال و آزادی علمی به دانشگاه‌ها اجازه می‌دهد که فضایی برای گسترش آزادانه نقد و بحث‌ها و تحلیل‌های سیاسی ایجاد کنند. همچنین، دانشگاه‌های ترکیه به‌طور فعال در مسائل و موضوعات سیاسی- اجتماعی مشارکت می‌کنند و بسیاری از اصلاحات سیاسی- اجتماعی ترکیه از درون مباحث علمی- دانشگاهی بیرون آمده و تقویت شده است. به‌عنوان مثال، بسیاری از جوانان ترکیه‌ای که در دانشگاه‌ها تحصیل کرده‌اند، به‌طور فعال در فرایندهای مردم‌سالاری و سیاسی کشور مشارکت دارند.

۲. مقایسه آموزش عالی و توسعه سیاسی- اجتماعی در ایران و ترکیه: نظام‌های آموزش عالی ایران و ترکیه از نظر ساختار و رویکردهای آموزشی تفاوت‌های زیادی دارد. نظام آموزش عالی ایران به‌طور عمده زیر کنترل و نظارت دولت و حاکمیت است و دانشگاه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی دولت و حاکمیت هدایت و راهبری می‌شوند. این وضعیت ممکن است به محدودیت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها منجر شود و فضای آزادتر و مستقل‌تر علمی و سیاسی را کاهش دهد. همچنین، نظام آموزش عالی ایران در زمینه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی در مقایسه با سایر رشته‌ها محدودیت‌های نسبتاً بیشتری دارد. این امر می‌تواند مانع از پرورش آگاهی‌های سیاسی- اجتماعی در سطح عمومی جامعه شود. در ترکیه، هرچند دولت در تعیین سیاست‌های کلی آموزش عالی ذی‌نقش است، اما دانشگاه‌ها از استقلال بیشتری برخوردار بوده و قادر به ایجاد فضایی آزادتر برای نقد و تحلیل‌های سیاسی هستند. این ویژگی، دانشگاه‌های ترکیه را به‌عنوان مراکزی برای گسترش آگاهی‌های سیاسی- اجتماعی و ایجاد فضای گفتگو و مشارکت در فرایندهای مردم‌سالاری متمایز می‌کند. دانشگاه‌های ترکیه توانسته‌اند به‌عنوان نهادهایی مستقل و تأثیرگذار در فرایندهای سیاسی- اجتماعی نقش‌آفرینی کنند.

تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی در هر دو کشور، به‌ویژه از نظر شکل‌دهی به نهادهای مردم‌سالار و مشارکت سیاسی، قابل‌توجه است، اما دانشگاه‌های ترکیه توانسته‌اند نقش مؤثرتری در گسترش آگاهی‌های سیاسی و حقوق بشر ایفا کنند. این در حالی است که دانشگاه‌های ایران

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

به‌دلیل محدودیت‌های سیاسی- فرهنگی، نتوانسته‌اند در حد انتظار، توقع و ظرفیت، در فرایندهای مردم‌سالاری و توسعه سیاسی تأثیرگذار باشند. دانشگاه‌های ترکیه توانسته‌اند فضایی برای آموزش‌وپرورش شهروندان مسئول فراهم کنند که به‌طور فعال در فرایندهای سیاسی- اجتماعی مشارکت دارند. این مشارکت سیاسی باعث شده است که ترکیه بتواند در زمینه‌های مختلف توسعه سیاسی، از جمله افزایش مشارکت عمومی در انتخابات، گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی و تقویت نهادهای مردم‌سالار، موفقیت‌هایی را کسب کند.

۳. چالش‌های تأثیرگذاری آموزش عالی بر توسعه سیاسی- اجتماعی: در ایران، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، دخالت‌های نسبی دولت و حاکمیت در امور دانشگاه‌ها و محدودیت‌های موجود در زمینه آزادی‌های فکری- سیاسی است. این محدودیت‌ها مانع از آن می‌شود که دانشگاه‌ها به‌طور آزادانه در فرایندهای مردم‌سالاری و سیاسی در حد انتظار و ظرفیت مشارکت کنند. همچنین، برنامه‌های آموزشی در زمینه علوم اجتماعی و علوم انسانی به‌طور کلی تحت تأثیر نگرش‌های سیاسی قرار دارند و این مسئله می‌تواند باعث کاهش فضای نقد، تحلیل و آزاداندیشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی شود. در ترکیه نیز اگرچه دانشگاه‌ها از استقلال بیشتری برخوردارند، اما در سال‌های اخیر با مشکلاتی نظیر دخالت‌های دولت در سیاست‌های آموزشی- اجتماعی مواجه شده‌اند. این دخالت‌ها می‌تواند به‌طور مستقیم بر آزادی‌های علمی- فکری در دانشگاه‌ها تأثیر گذاشته و موجب محدودیت در گسترش آگاهی‌های سیاسی- اجتماعی و به‌تبع آن، محدودیت در توسعه سیاسی شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش و تأثیر آموزش عالی در توسعه سیاسی- اجتماعی در ایران و ترکیه است؛ تلاشی برای تبیین این‌که آموزش عالی چگونه می‌تواند به‌عنوان نهادی مؤثر، مسیر تحولات سیاسی و تقویت نهادهای مردم‌سالار را هموار سازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش عالی در هر دو کشور توانسته است در این مسیر نقش ایفا کند، اما کیفیت و شدت این تأثیرگذاری در ایران و ترکیه متفاوت ارزیابی می‌شود. دانشگاه‌های ترکیه به‌واسطه برخورداری از استقلال نسبی و فضای بازتر سیاسی- علمی، نقش مؤثرتری در ارتقای آگاهی‌های سیاسی، پرورش نخبگان و تقویت مشارکت سیاسی ایفا کرده‌اند. در مقابل، به نظر می‌رسد که دانشگاه‌های ایران با وجود پیشرفت‌های علمی قابل‌توجه، تحت تأثیر محدودیت‌های سیاسی- فرهنگی، فضای کنترل‌شده و مداخلات دولتی، از ایفای نقش کامل در فرآیند توسعه سیاسی بازمانده‌اند. در ایران، ضعف در پیوند میان آموزش دانشگاهی و نیازهای جامعه، به‌ویژه در عرصه سیاست‌گذاری عمومی و گفتمان‌های سیاسی، موجب شده است که نقش دانشگاه‌ها در تقویت مردم‌سالاری در حد توقع و ظرفیت آموزش عالی نباشد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

پژوهش حاضر همچنین چالش‌های مشترک و خاص هر کشور را در مسیر تأثیرگذاری آموزش عالی بر توسعه سیاسی شناسایی کرده است. در ایران، محدودیت در آزادی‌های فکری و سیاسی، نظارت‌های شدید بر محتوای آموزشی و فقدان ارتباط مؤثر میان دانشگاه و جامعه، از موانع اصلی به شمار می‌رود. در ترکیه نیز با وجود استقلال نسبی دانشگاه‌ها، دخالت‌های سیاسی دولت در سیاست‌گذاری آموزش عالی همچنان مانع از بروز کامل ظرفیت‌های علمی و انتقادی دانشگاه‌ها شده است. مقایسه تطبیقی دو کشور نشان می‌دهد که دانشگاه‌های ترکیه در شکل‌دهی به مشارکت سیاسی و تقویت نهادهای مردم‌سالاری اثربخش‌تر عمل کرده‌اند. این موضوع به‌ویژه در فراهم‌سازی بستری برای گفتگو، نقد و تربیت شهروندان آگاه‌تر نمایان است. در مقابل، دانشگاه‌های ایران به‌دلیل فضای نسبتاً بسته‌تر سیاسی، نتوانسته‌اند آن‌گونه که شایسته است در این فرآیند نقش‌آفرینی کنند و بسیاری از نخبگان و دانشجویان به‌دلیل همین فضا از مشارکت فعال در عرصه‌های سیاسی- اجتماعی باز می‌مانند. یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعات پیشین هم‌راستا و مکمل است. پژوهش‌هایی چون مُعین (۱۳۹۷)، کانجو و همکاران (۲۰۲۲) و مُرادی، محمدی و گلدسته (۲۰۱۹) نیز بر ارتباط دوسویه و اثرگذار آموزش عالی و توسعه سیاسی تأکید دارند و عملکرد موفق‌تر ترکیه در این زمینه را نشان داده‌اند. با این‌حال، نکته شایسته تأمل و تدبر این است که با وجود پیشرفت‌های ترکیه در شاخص‌های مردم‌سالاری، برخی رویدادهای سیاسی از جمله کودتای نافرجام چندی پیش علیه دولت اردوغان، نشان‌دهنده استمرار چالش‌هایی در عرصه سیاسی- اجتماعی است؛ ین موضوع پرسش‌هایی را درباره پیوستگی و تعمیق فرهنگ مردم‌سالاری در جامعه ترکیه ایجاد و نشان می‌دهد که توسعه سیاسی صرفاً وابسته به آموزش عالی نبوده و متغیرهای دیگری نیز نقش‌آفرین هستند.

پیشنهادهایی برای ارتقای تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی

با توجه به چالش‌های شناسایی‌شده در این پژوهش، پیشنهادهای زیر می‌تواند در بهبود و تقویت نقش و تأثیر دانشگاه‌ها و آموزش عالی در توسعه سیاسی- اجتماعی اثربخش واقع شود:

۱. افزایش بیشتر استقلال دانشگاه‌ها از همه و برایند نیروهای بیرونی: در ایران، برای تقویت تأثیر آموزش عالی در توسعه سیاسی، ضروری است که استقلال دانشگاه‌ها از دولت افزایش یابد. این استقلال به دانشگاه‌ها این امکان را می‌دهد که فضایی آزاد برای پژوهش، آموزش و گسترش آگاهی‌های سیاسی فراهم کنند. با کاهش دخالت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها، می‌توان شاهد رشد تفکر انتقادی و پرورش نخبگان فکری مستقل بود که در نهایت به نفع توسعه مردم‌سالاری و تقویت نهادهای حکمروایی خواهد بود.

۲. تقویت بیش از پیش برنامه‌های آموزشی در حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی: برای ارتقای مشارکت سیاسی و تقویت نهادهای مردم‌سالار، دانشگاه‌ها باید برنامه‌های آموزشی خود را در زمینه علوم انسانی و علوم اجتماعی گسترش دهند. در این راستا، باید تأکید بیشتری

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

بر آموزش مهارت‌های شهروندی، آگاهی‌های سیاسی و حقوق بشر گذاشته شود. این برنامه‌ها می‌توانند دانشجویان را برای مشارکت فعال در فرایندهای سیاسی- اجتماعی آماده کنند و به گسترش مردم‌سالاری کمک کنند.

۳. ایجاد فضاهای آزادتر برای نقد، گفتگو و آزاداندیشی: برای ارتقای آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی، باید فضاهایی برای گفتگو و نقد آزادانه در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایجاد شود. این فضاها می‌توانند به گسترش آگاهی‌های مردم‌سالاری و پرورش شهروندان مسئول و آگاه کمک کنند. از این طریق، دانشگاه‌ها می‌توانند نقش خود را در فرایندهای مردم‌سالاری و توسعه سیاسی- اجتماعی به‌طور مؤثری ایفا کنند.

نتیجه‌گیری پایانی این‌که در مجموع دانشگاه‌ها و نظام‌های آموزش عالی کشورها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه سیاسی- اجتماعی، نقش بسزایی در شکل‌دهی به فرایندهای مردم‌سالاری، تقویت نهادهای حاکمیتی و افزایش مشارکت سیاسی در جوامع دارند. بر اساس یافته‌های پژوهش، دانشگاه‌های ترکیه، توانسته‌اند تأثیرات مثبت‌تری در گسترش مردم‌سالاری و تقویت نهادهای مردم‌سالاری ایفا کنند، درحالی‌که دانشگاه‌های ایران با محدودیت‌های نسبی مختلفی مواجه بوده‌اند که مانع از تأثیرگذاری جامع و کامل آن‌ها بر فرایندهای سیاسی و توسعه مردم‌سالاری شده است. برای تقویت نقش دانشگاه‌ها در توسعه سیاسی- اجتماعی باید استقلال دانشگاه‌ها از همه نیروهای بیرونی و محیطی افزایش یابد، برنامه‌های آموزشی در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی گسترش یابد و فضای آزادتری برای نقد و گفتگو و آزاداندیشی در محافل و محیط‌های علمی و آموزشی فراهم شود. این اقدامات می‌تواند به افزایش مشارکت سیاسی و ارتقای مردم‌سالاری در دو کشور به‌ویژه در ایران کمک شایانی کند. در مجموع، آموزش عالی نهادی کلیدی در پیشبرد توسعه سیاسی - اجتماعی است. یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کند که دانشگاه‌های ترکیه، نسبت به دانشگاه‌های ایران، در ارتقای شاخص‌های مردم‌سالاری و توسعه سیاسی موفق‌تر عمل کرده‌اند؛ اما برای دستیابی به توسعه سیاسی – اجتماعی پایدار در هر دو کشور، ضروری است که نظام‌های آموزش عالی از آزادی علمی، استقلال نهادی و پیوند مؤثر با جامعه برخوردار باشند. با توجه به برخی ابهامات در ارزیابی نقش واقعی دانشگاه‌ها در فرایندهای سیاسی- اجتماعی ترکیه، پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی با تمرکز بر دیدگاه‌های احزاب مخالف و تحلیل تجربیات زیسته استادان و دانشجویان، ابعاد عمیق‌تری از این موضوع را واکاوی کنند. پژوهش‌های مبتنی بر شواهد و پیمایشی نیز می‌تواند مکمل مناسبی برای تکمیل ماهیت درک و فهم تأثیر آموزش عالی بر توسعه سیاسی - اجتماعی در بسترهای مختلف فرهنگی - سیاسی باشد.

تعارض منافع

نویسنده هیچ‌گونه تعارض منافعی در رابطه با مطالعه و نتایج پژوهش ندارد.

https://orcid.org/0000-0002-4665-3248

Reza Mahdi

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]

References

Brady, J. F. (1969). A comparative analysis of selected program planning procedures for adult educational activities as perceived by adult educators and urban plannersin Florida, the Florida state university.

Etaabian Khorasgani, A. & Gholipour Moghadam, F. (2017). A Comparative Review of Political Development Theories, Journal of New Approaches in Management and Accounting, No. 3, pp. 126-139. [In Persian]

Hendrickson, R. M., Lane, J.E., Harris J.T. & Dorman, R. H. (2013), Academic Leadership and Governance of Higher Education, USA, Stylus Publishing.

Hooman, H. A. (2016). Practical Guide to Qualitative Research, Tehran, the Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities (SAMT). [In Persian]

Kaykha, A. & Zakirsalehi, G.R. (2017). Comparative Evaluation of Higher Education Macro Policies of Selected Countries, Quarterly Journal of Educational Measurement and Evaluation Studies, 11(33), pp. 87-111. [In Persian]

Khalil Ahmed Kanjo, K. A., Mahmoud Haqhani, M., Abolqasmi, M. Ghahramani, M. & Nazari Hashemi S. R. (2022). A Comparative Study of Higher Education Development in Afghanistan, Iran and Turkey, Iranian Journal of Comparative Education 2022, 5(4), 2164-2182. [In Persian]

Mahdi, R. (2016). Internationalization of Higher Education in Asia; International Higher Education Policies in Northwestern Iran, Tehran, Institute for Social and Cultural Publications. [In Persian]

Miller, J., Riendeau, C., & Rosen, J. (2013). Lessons in Academic Rescue: An International Higher Education Response in Post war Iraq. Science and Diplomacy, 2(3), pp. 102-131.

Moein, M. (2018). Development and Higher Education Policy, Tehran, Institute for Social and Cultural Studies. [In Persian]

Moradi, F. (2015). Representation of the Construction of Power in the University Space: Based on Foucault's Thought, Journal of Political Science, No. 1, pp. 167-212. [In Persian]

Moradi, N., Mohammadi, R. & Goldasteh, A. (2019). A Comparative Study of Higher Education Entrance Examinations in Iran with Selected Countries, Iranian Journal of Comparative Education, 2(4), 518-532.

Norshahi, N. (2012). Compare and Monitoring the Behavior of Science and Technology System of Turky and Iran, Higher Education Letter. 5(18). 115-138. [In Persian]

Rajablou, Q. Al. & Hossein Panahi, H. (2017). Ethnic Identity and Political Development (Case Study: Kurdistan University Students in the Academic Year 2015-2016), Iranian Social Development Studies, 10 (1), Serial No. 37, pp. 25-46. [In Persian]

Shafie Chafi, M. & Mahdi, R. (2022). The Impact of Higher Education Policies on Political Development Indicators in Iran, Journal of Public Policy in Management, 13 (45), pp. 179-195. [In Persian]

Shafie Chafi, M. (2023). Comparative Evaluation of the Impact of Higher Education on Political Development in Iran and Türkiye, PhD Thesis, Tehran, Institute for Social and Cultural Studies. [In Persian]

Shafiei Chafi, M. & Mahdi, R. (2023). The Model of Ethical Components Affecting Political Development in Higher Education, International Journal of Ethics and Society, 5 (1), pp. 27-32.

Shafiei Chafi, M., Mahdi, Reza & Asadi, M. (2024). Evaluating the higher education policies in terms of political development indicators in the Islamic Republic of Iran, International Journal of Nonlinear Analysis and Applications, 7, pp. 125-133.

Shafiei Chafi, M., Mahdi, R., & Asadi, M. (2023). The impact of higher education on political development; an adaptive study in Iran and Türkiye, Management and Educational Perspective, 5(3), pp. 179-201. [In Persian]

Strauss, A., & Corbin, J. M. (1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Sage Publications, Inc.

Yemenidozi Sorkhabi, M. (2012). Quality in Higher Education, Tehran, the Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Science and the Humanities (SAMT). [In Persian]

Yousefi, H., Asadbeigi, M. & Haji Khajehluei, R. (2019). Extracting criteria for promoting faculty members through the application of a comparative study of selected universities, Journal of Research and Planning in Higher Education, 25 (4), pp. 73-95. [In Persian]

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.4.3]